

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

مشاوره ناشنوایان (فرازها و نشیبها)

نویسنده : ماریان کوکر

مقدمه

بیش از نیم میلیارد از جمعیت در سراسر جهان به علت نارسایی های ذهنی، جسمی و حسی معلول به شمار می آیند. این نارسایی ها و برخی موانع فیزیکی و اجتماعی آنها را همواره از اجتماع دور نگه می دارد. معلولان اغلب از اساسی ترین موقعیت های آموزشی محروم بوده و مشاغلی بی اهمیت با دستمزدی بسیار پائین به آنها محول میگردد. نگرش اجتماعی نسبت این گروه آنها را از زندگی فرهنگی و روایت عادی اجتماعی به دور می دارد. امروزه در کشورهای مختلف برنامه های متعددی برای جلوگیری از معلولیت، و تقویت برنامه های توانبخشی به منظور اطمینان از شرکت کامل معلولان در زندگی فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی در دست اجرا است.

یکی از اهداف اساسی این برنامه ها برخورداری مساوی معلولان از مزایا و پیشرفت های اجتماعی است، که مربوط به تمام کشورها صرف نظر از درجه توسعه یافتگی آنها می شود. این برنامه همچنین تاکید بر اهمیت شرکت مستقیم معلولان در برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی فعالیتهای مربوط به آنها را دارد. تخمین زده می شود که ۸۰ درصد معلولان در کشورهای در حال رشد زندگی می کنند که چندان تعجب برانگیز نیست، چرا اغلب معلولیت ها ناشی از جنگ، سوء تغذیه، فقر و عدم مراقبت های صحیح بهداشتی و آموزشی و سایر عواملی می شود که ناشی از توسعه نیافتگی این کشورهاست. ازدیاد روز افزون جمعیت و فقدان منابع مالی کافی، برنامه های توانبخشی را در این کشورها

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

با مشکلات فراوان مواجه نموده است، به طوری که معلولان در این کشورها احتیاج به

توجه ویژه دارند^۱.

www.kandooon.com
www.kandooon.com
www.kandooon.com

معلولیت در ایران

بر اساس آخرین آمار منتشر شده از طرف مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۱، ۴۵۳۰۹۰ نفر از جمعیت کشور معلول بوده اند. از این تعداد ۴۹٫۳ درصد در نقاط شهری و ۵۰ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته و ۷ درصد غیر ساکن بوده اند.

جنس	کشور	ساکن		غیر ساکن
		نقاط شهری	نقاط روستایی	
مرد و زن	۴۵۳۰۹۰	۲۲۳۳۸۷	۲۲۶۷۴۴	۲۹۵۹
مرد	۲۸۵۳۳۹	۱۴۲۹۵۸	۱۴۰۵۰۴	۱۸۷۷
زن	۱۶۷۷۵۱	۸۰۴۲۹	۸۶۲۴۰	۱۰۸۲

موارد معلولیت

فراوان ترین مورد معلولیت نقص پای راست است که به تنهایی ۲۰٫۵ درصد از موارد معلولیت را شامل می شود. سایر موارد معلولیت به ترتیب فراوانی، نابینا (۱۸٫۴ درصد) نقص پای چپ (۱۵٫۳ درصد) فلج کامل (۹٫۵ درصد)، ناشنوا (۹٫۳ درصد)

نقص دست راست (۹درصد) نقص دست چپ (۹،۷درصد)، ناشنوا (۶درصد)، قطع

دست یا پا هر دو (۱۲،۱درصد) است و ۲ درصد از موارد معلولیت مربوط به معلولانی

می شود که مورد معلولیت خود را اظهار نکرده اند.

نقاط روستایی	نقاط شهری	جمع			موارد معلولیت
		زن	مرد	مرد و زن	
۱۰۰،۰	۱۰۰،۰	۱۰۰،۰	۱۰۰،۰	۱۰۰،۰	جمع
۲۰،۷	۱۶،۱	۲۳،۴	۱۵،۵	۱۸،۴	نابینا
۱۰،۳	۸،۴	۱۰،۷	۸،۵	۹،۳	کر و لال
۷،۰	۴،۹	۶،۷	۵،۵	۶،۰	کر
۱،۸	۲،۴	۱،۱	۲،۷	۲،۱	قطع دست یا پا
۸،۶	۹،۴	۶،۵	۱۰،۵	۹،۰	نقص دست راست
۷،۴	۸،۴	۶،۱	۹،۰	۷،۹	نقص دست چپ
۱۹،۲	۲۱،۹	۱۷،۸	۲۲،۱	۲۰،۵	نقص پای راست
۱۴،۰	۱۶،۶	۱۳،۹	۱۶،۱	۱۵،۳	نقص پای چپ

۹,۶	۹,۴	۱۱,۴	۸,۴	۹,۵	فلج کامل
۱,۴	۲,۵	۲,۴	۱,۷	۲,۰	اظهار نشده

علل معلولیت

۲۱,۳ درصد از عوامل معلولیت ناشی از عوامل ارثی و مادرزادی، ۴۱,۲ درصد

بیماری، ۲۸,۲ درصد حادثه، و علت ۹,۳ درصد از موارد معلولیت اظهار نشده باقی

مانده است.

مناطق روستایی	مناطق شهری	جمع			علل معلولیت
		زن	مرد	مرد و زن	
۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	جمع
۲۲,۹	۱۹,۶	۲۳,۸	۱۹,۹	۲۱,۳	ارثی و مادرزادی
۴۲,۶	۳۹,۹	۴۹,۱	۳۶,۶	۴۱,۲	بیماری
۲۴,۱	۳۲,۴	۱۶,۳	۵۳,۲	۲۸,۲	حادثه
۱۰,۴	۸,۱	۱۰,۸	۸,۳	۹,۳	اظهار نشده

آموزش

از جمعیت معلول ۶-۲۴ سال کشور ۳۰,۲۴ درصد، در حال تحصیل هستند. این

نسبت در نقاط شهری ۳۴,۶۲ درصد، در نقاط روستایی ۲۵,۸۸ درصد بر آورده شده

است. نسبت معلولان در حال تحصیل در گروههای سنی مختلف یکسان نیست. این

نسبت در گروه سنی ۶-۹ سال ۴۷,۹۰ درصد، ۱۰-۱۴ ساله ۴۹,۷ درصد، و ۱۵-۲۴ سال

۱۵,۱۸ درصد، است.

نقاط روستایی	نقاط شهری	جمع			گروههای سنی
		زن	مرد	مرد و زن	
۲۵,۸۸	۳۴,۶۲	۲۹,۰۰	۳۰,۸۵	۳۰,۲۴	جمعیت ۶-۲۴ سال
۴۲,۲۹	۵۵,۱۹	۴۲,۰۸	۵۲,۰۷	۴۷,۹۰	۶-۹ سال
۴۲,۸۵	۵۸,۶۳	۴۱,۳۶	۵۵,۲۸	۴۹,۸۷	۱۰-۱۴ سال
۹,۴۶	۱۹,۸۲	۱۳,۷۶	۱۵,۷۰	۱۵,۱۸	۱۵-۲۴ سال

اطلاعاتی برای ارائه خدمات به جامعه ناشنوایان

اصطلاحات

- پنج عامل اصلی برای ناشنوایی مشخص شده است. یک، وراست. دو. بیماری، سه. تصادف و حوادث، چهار. آلودگی صدا، پنج. کهولت.
- فرهنگ و بستر ناشنوایی را این گونه تعریف کرده است: ((ناشنوایی عبارت است از فقدان و یا محرومیت از شنیدن، چه به صورت کامل و یا جزئی)).
- ((جامعه)) به گروهی از افراد اطلاق می شود که ارتباط آنها از طریق خط مشی، تاریخ، اقتصاد و علایق سیاسی مشترک باشد.
- جامعه معلولان ناشنوا با توجه به نیازهای ویژه کتابخانه ای و ارتباطی که دارند به گروههای زیر تقسیم بندی می شوند.
- الف: گروهی که قادر به صحبت کردن هستند.
- ب: افراد مسن ناشنوا
- ج: افرادی که در اثر کهولت ناشنوا شده اند.
- د: گروهی که به سختی صحبت می کنند.
- ه: کسانی تا حدودی قادر به شنیدن هستند (سنگینی در گوش در اثر ضایعات وارده
به گوش)

و: اعضای خانواده آنها با شنوایی معمولی

در هر یک از این گروهها ممکن است افراد نابینا و یا با معلولیت های دیگر نیز وجود داشته باشند.

مشخصات نیازهای کتابخانه ای و اطلاعاتی جامعهء ناشنوبان

کودکان نوزادان و کودکان تا ۸ سال والدین / پرستاران / آموزگاران کارمندان کمکی / مدیران تامین کنندگان خدمات	نوجوانان نوجوانان ۹-۱۲ سال ۱۳-۱۹ سال و بالاتر والدین / پرستاران / معلمان کارمندان کمکی / مدیران تامین کنندگان خدمات	دانشگاهی دانشجویان دانشگاه بزرگسالان برای ادامه برنامه های آموزشی / استادان / اعضای هیئت علمی / کارمندان کمکی / مدیران / مسئولان تامین خدمات
جایگاه کتابخانه عمومی بیمارستان	جایگاه مدرسه کتابخانه عمومی بیمارستان	جایگاه دانشگاه / دانشکده کتابخانه عمومی بیمارستان

کتابخانه ها با توجه به قوانین و مقررات حاکم بر آنها

یک. کتابخانه هایی که اختصاصاً در خدمت نا شنوایان مطلق و ناشنوایان نسبی هستند.

دو. کتابخانه های مخصوص ارائه خدمات به معلولان.

سه. کتابخانه های عمومی که به ناشنوایان خدمات ویژه ارائه میکنند.

آموزش و کمک های فنی

یک. ایجاد امکانات برای ارائه خدمات

دو. بوجود آوردن تغییرات جهت ایجاد زمینه مساعد برای ارائه خدمات؛

سه. تهیه دستورات عملی لازم برای استفاده از وسائل مربوط به ناشنوایان؛

چهار. افزایش توان حرفه ای کارکنان در ارائه خدمات به ناشنوایان؛

شبکه ها و همکاری بین کتابخانه ها

یک. عمومی (مانند فهرست های پیوسته)

دو. معلولیت (کتابخانه کنگره/ بخش نابینایان)

سه. ناشنوایی و ناشنوایان (مؤ سسه ملی توانبخشی ناشنوایان، خدمات نوین

تصویرهای گویا)

چهار. نظام های اطلاعاتی و ارجاعی

پنج. امکانات مخابراتی و ویدیویی

شش. خدمات اطلاعاتی و پست های الکترونیکی

احتیاجات ویژه جامعه ناشنوایان

الف: وسائل کمکی برای ایجاد ارتباط (مانند T.D.D و سایر نظام های کمک شنوایی)

ب: مشخص نمودن احتیاجات ویژه هر یک از گروههای جامعه ناشنوایان

ج: ناشنوایان نابینا / افراد خانواده نابینا

د: ناشنوایان با هوش

ه: ناشنوایان بی سواد

و: ملولیت های پیشرفته ، عدم توانایی در یادگیری و غیره

ز: ناشنوایان بدون مسکن

ح: ناشنوایان در نقاط روستایی و محروم

ت: مؤسسات تربیتی

ی: برنامه ریزی و نما یشگاه (برنامه ریزی های نمایشی)

ک: هفته ناشنوایان و برنامه های فرهنگی و محلی برای ناشنوایان

ل: سایر اطلاعات فرهنگی

م: خیمه شب بازی و نمایشهای فکاهی

ن: سخنرانی و نمایش آثار نویسندگان، هنرمندان و بازیگران ناشنوا

س: داستان گویی و نمایش با زبان اشاره، کنترل شنوایی، و وسایل کمک شنوایی.

ع: همکاری با سازمانهایی که در این زمینه فعالیت می کنند برای آگاهی از برنامه

های آنها.

دسترسی به برنامه های کتابخانه ها

الف. از بین بردن محدودیت های ارتباطی و حرکات فیزیکی ناشنوایان

ب. تامین سلامت ناشنوایان از طریق هشداردهنده های اضطراری

ج. تسهیل ارتباطات عمومی برای ناشنوایان

آماده سازی فرد برای کار

ضروری است در کار با افراد ناشنوا وقت بیشتری را صرف ایجاد آمادگی های اولیه کنیم و بدین طریق، رابطه درمانی را هر چه بهتر و پربارتر گردانیم. این امر نه تنها مفید، بلکه ضروری است؛ زیرا باید از مفهوم ناشنوایی در دیدگاه خود فرد درک روشنی داشته باشیم. این آگاهی بخشی از آمادگی های اولیه و اصول پایه ای است که در آغاز رابطه درمانی درمانگر و مراجع ناشنوا باید مدنظر باشد. در این جا نیز درست همانند آغاز یک نشست درمانی، تردیدها و بی اعتمادی های اولیه می تواند روابط را تیره سازد. رفع این عدم اعتماد مشکل است و نیاز به وقت دارد تا مراجع قادر شود درباره موضوعات مورد توجهش - که ممکن است ارتباطی با ناشنوایی اش نداشته باشد- بحث کند. هم چنین، مرحله آماده سازی، فردا را یاری می دهد پرده از برخی جریاناتی بر دارد که ممکن است ضرورتاً در روابط پویا بروز نکنند.

در مورد افراد ناشنوا، مرحله ی آماده سازی شامل تأکید اولیه درمانگر بر اصطلاحات موجود در این رابطه و شیوهء شکل گیری مرزهای آن است، اما در روابط ناشنویان، آماده سازی، معنایی عمیق تر را در بر دارد و ممکن است نیاز به وقت بیشتری داشته باشد. نیاز به آماده سازی، ریشه در تجربیات بسیار متفاوت ناشنویان

دارد و درمانگر را مجبور می کند که جدی تر، و صریح تر باشد (هالگین و مک

انتی، ۱۹۸۶؛ مک کرون ۱۹۸۳؛ کودن فیلد و فارلی، ۱۹۸۳؛ هاروی، ۱۹۸۹).

آماده سازی برای کار، یعنی صحبت در مورد روش های موجود در روابط درمانی،

که فرد را قادر می سازد برای کار حرفه ای، اصول اخلاقی و رازداری - که درمانگران

مقید به آن هستند - ارزش قائل شود؛ زیرا این ها مفاهیم نسبتاً جدیدی در اجتماع

ناشنویان قلمداد می شوند. بسیاری از ناشنویان به این شیوه ها اعتماد ندارند؛ زیرا با

آنها آشنا نیستند و گاه به نظر می رسد که با هنجارهای فرهنگی آنان مغایر باشد. آماده

سازی برای کار، تلاشی برای رفع ابهام و عدم اعتماد در مراجع است. به عنوان مثال،

در فرهنگ ناشنویان، صراحت خاصی مشاهده می شود که اجتماع جهانی ناشنویان را

نیز در بر می گیرد، اما در فرهنگ افراد شنوا وجود ندارد:

((اجتماع ناشنویان تا حدودی قابل مقایسه با شهر کوچکی است که در آن، همه

همدیگر می شناسند. زنان ناشنوا ممکن است در بر گشتن یا رفتن به محل درمان،

آشنایان خود را ملاقات کنند. در حقیقت، با توجه به تعداد محدود درمانگرانی که با

ناشنویان کار می کنند، وقوع این امر خیلی هم نا محتمل نیست. یا ممکن است زنان

ناشنوا در محلی دیده شوند که همه می دانند وقایع خاص، یا ماجراهای به خصوصی

اتفاق می افتد. چنین اطلاعاتی ممکن است بعداً به گوش دیگر ناشنویان هم برسد و

منشاء افکار یا شایعات بی اساس در میان اجتماع آنان شود. اگر درمانگر ناشنوا، به هر

ترتیبی با اجتماع ناشنایان مربوط باشد، احتمال بروز برخوردهای اجتماعی بسیار زیادتر می شود (صرف نظر از مرزهای موجود بین درمانگر-مراجع) و این، به دلیل ماهیت اجتماع ناشنویان است. در این حال، ممکن است زندگی خصوصی درمانگر نیز مانند رازهای مراجع، مسئله ساز باشد)).

(وسترلاند، ۱۹۹۰، ص ۱۰۶)

این صراحت، زمانی که درمانگر نیز ناشنوا باشد، چه بسا سبب شود مراجع ناشنوا تصور کند که در رابطه درمانی نیز، مرزها، همان گونه روشن و صریح اند. بر عکس، ممکن است این معنا را نیز در بر داشته باشد که بسیاری از مراجعان بالقوه و نیازمند یاری، از جستجوی درمانگر منع شوند؛ زیرا در وضعیت اضطراب زای ناشی از موقعیت های دشوار، آن ها به مضمون و ماهیت شایعه و افکار بی اساس حساس تر می شوند و برای کاستن از بار اضطراب خود، از آن اجتناب می ورزند (آنتونی، ۱۹۹۲). مراجع ناشنوی در این مورد می گفت:

((ناشنویان غالباً به حدی با یکدیگر آشنایی نزدیک دارند که در صورت مراجعه به یک اتاق خاص، یا حتی مرکز خاص، دیگر ناشنویان گمان می کنند آنان مشکلی دارند. بنابراین، بسیاری از ناشنویان، از رفتن به نزد مشاور می هراسند. مگر اینکه واقعاً وعمداً نام آنها محفوظ باقی بماند، اما در مورد خودم، من هرگز در چنین وضعیتی به

نزد مشاور نرفته ام... زیرا نمی خواستم این واقعیت که در مورد مشکلات یا احساساتم، یا هر چیز دیگری صحبت می کنم، در میان افراد پخش شود)).

(بر گرفته از کتز، ۱۹۹۳، ص ۳۲)

تمام درمانگرانی که با ناشنوایان کار می کنند، از پیچیدگی های این موضوع آگاهند؛ زیرا ریشه ای فرهنگی دارد. هم چنین، در مرحله آماده سازی باید زمانی را صرف صحبت در این مورد کنیم که مراجع در صورت بر خورد با درمانگرش در خارج از محیط مشاوره، دوست دارد عکس العمل ها چگونه باشد. من در تجربه خود با مراجعانی چون جیم متوجه اهمیت یک آماده سازی دقیق شدم. او مرد ناشنوایی بود که برای مشاوره روان پویای کوتاهی آمده بود و مشکلاتی زیادی داشت که مربوط به مسائل مربوط به هویت او به عنوان فردی ناشنوا بود. او در یک مدرسه تلفیقی تحصیل کرده بود و به BSL، - روش ارتباطی مورد نظرش - خیلی مسلط بود. به طور اتفاقی یک بار در جمعی، یکدیگر را دیدیم. او خیلی محبت آمیز به من سلام کرد می خواست از من تصویر یک دوست صمیمی را ارائه کند. اما من، گرچه با ادب و خوش مشرب بودم، حس کردم نمی توانم به همان شیوه به او پاسخ دهم. جلسه بعد او گفت، تا آن جا که متوجه شده است، من خود را بالاتر از او در نظر گرفته و سعی کرده ام او را در سطحی پایین تر نگهدارم و او دیگر مایل نیست به این رابطه ادامه دهد و آن را خاتمه داد. شاید علت این بوده که مرحله آماده سازی جیم کامل نبوده است.

مورد دیگر زن ناشنوایی بود که پس از چند ماه به روابطمان خاتمه داد؛ زیرا حس می کرد زمانی که در اجتماعات گوناگون با یکدیگر رو به رو می شویم، قادر نیست با آن چه که ((نادیده گرفتن او)) از طرف من تلقی می کرد، کنار آید. این در حالی بود که در مرحله آماده سازی، ما در مورد این که میل دارد در جامعه چگونه با یکدیگر برخورد کنیم، بحث کرده بودیم و او گفته بود که تنها یک ((سلام)) کوتاه کافی است، طوری که وانمود کنیم همدیگر را نمی شناسیم و رابطه دوستانه ای نداریم، اما زمانی که این گفته به عمل در آمد، سبب از بین رفتن روابط ما شد. این موارد حاکی از ابعاد فرهنگی خاص این گروه است. در واقع جمع های ناشنوایان در اصطلاحات مربوط به حدود، تفاوت هایی با شنوایان دارند و جوانب آن چه که می توان حرفه گرایی تلقی کرد، در فرهنگ های شنوایان و ناشنوایان دیدگاه های متفاوتی را در بر می گیرد. مسئله حرفه گرایی یکپاز مسائلی است که برخی از ناشنوایان با آن مشکل دارند. اگر مراجع ناشنوایی درمانگر خود را با گروهی از مردم ببیند که مست کرده یا رفتاری غیر معمول دارد، برای او بسیار مشکل خواهد بود که این تصویر را در طی درمان از ذهن خود پاک کند. از این رو، ناشنوایان در بعضی موضوعات خاص نیازمند آماده سازی هستند، اما بعضی از مشکلات اجتناب نا پذیرند. به عنوان مثال، بیمار ناشنوایی داشتم که حدود یک سال با یکدیگر کار می کردیم. وی به دلیل مشکلاتی که با برخی موقعیت های تنش زا داشت و روش های منفی که در مقابله با آن ها به کار می برد،

برای درمان به من ارجاع داده شده بود. معمولاً زمانی که او به نزد من می آمد، برای استقبال از او از اتاق خارج می شدم که با یکدیگر وارد اتاق شویم. در هنگام خداحافظی هم، او را مشایعت می کردم. در یکی از جلسات، زمانی که من بنا به عادت، همراه با وی اتاق را ترک کردم، او را در راهرو به طرف من چرخید و گفت، در نوجوانی مورد تجاوز قرار گرفته است. بیان این مطلب در خارج از جلسه درمانی، برای هر دوی ما پیچیدگی هایی به همراه آورد. من احساس کردم، از آن جا که جلسه ما به پایان رسیده است، نمی توانم به او پاسخ دهم. او آهسته با هوا سخن گفته بود، اما هنگامی که هفته بعد به آن موضوع اشاره کردم، او فراموش کرده بود که آن را به من گفته است.

برای درمانگران ناشنوا بسیار محتمل است که مراجعان ناشنوی خود را در مسابقات آخر هفته، کنفرانس ها، و مراکز ناشنوایان ملاقات کنند. شانس وقوع این امر، مطمئناً خیلی بیشتر از زمانی است که درمانگر و مراجع هر دو شنوا باشند. این امر سبب بروز مسائلی در خصوص مرزها و حدود می شود. نمونه های ذکر شده نمایانگر اهمیت استفاده از مثال در انتقال مفاهیم تازه ای چون اصطلاح ((مرزها)) است، به ویژه آن دسته که به نظر می رسد از لحاظ فرهنگی با گروه ناشنوا ارتباط دارد. به عنوان مثال، به نظر می رسد پایبندی درمانگر به مرزها، نقطه مقابل صراحت موجود در فرهنگ ناشنوایان یا نمایانگر ((روش افراد شنوا)) باشد و در صورت عدم ارائه توضیحی

مناسب در مورد علت اهمیت مرزها ((برای درمان)) ممکن است به صورتی منفی تعبیر شوند. به عنوان مثال، در مورد مرزها، در صورتی که نیاز به از بین بردن چیزی بیش از یک عدم اعتماد و بد گمانی ساده باشد، ممکن است روش خود افشاگری برخی درمانگران مناسب باشد. ارائه این توضیحات به این خاطر نیست که ناشنویان در مورد همه چیز، بیش از افراد شنوا، نیاز به توضیح دارند؛ بلکه به این دلیل است که روش رایج و عمده تفکر در کار ران پویا، کاملاً خارج از نظریه های مجامع شفاهی است که بر پایه زبان گفتاری و نوشتاری پایه ریزی شده اند. در صورتی که هدف این باشد که درمانگر ناشنوا، خود، عامل آزار دیگری به حساب نیاید، آگاهی و درک این نکته برای وی بسیار حایز اهمیت است. لازم است خیلی کوتاه و روشن ماهیت این رابطه درمانی و نقش درمانگر در آن بیان شود.

پس از مرحله آماده سازی مجدداً باید بر اهمیت کاوش درباره تصورات منفی درمانگر و وظیفه وی در قبال آن ها تاءکید ورزید؛ زیرا احتمال دارد بی طرفی درمانگر، از خصوصیات غیر فرهنگی و غیر دوستانه ای تعبیر شود که در هنجارهای معمول ناشنویان وجود دارد. زمانی که مراجع و درمانگر هر دو ناشنوا باشند، علاوه بر تجربیات مشترک، دارای فرهنگ، تاریخ و زبان مشترکی نیز هستند. از این رو محتمل است که پویایی های درمان، بر ناشنوا بودن متمرکز شود. نمی توان از درمانگر ناشنوا انتظار داشت که خود را از پیوستگی های اجتماعی با دیگر افراد ناشنوا کنار

بکشد. علت این مسئله اهمیت فرهنگی عضویت در این محافل و نظریات منفی در مورد عدم حضور در آن هاست. هم چنین منطقی نیست که از درمانگر ناشنوا بخواهیم هر گاه در اجتماع حاضر می شود، کلاه درمانگری اش را بر سر گذارد. تاشنویان بیش از دیگر افراد در معرض نگرش های قالبی نسبت به چگونگی رفتار مردم هستند. من طی صحبت با مراجعان در مرحله آماده سازی ، متوجه این نکته شده ام که اکثر آن ها، احساس می کنند مواجه شدن با درمانگر به عنوان یک انسان واقعی در یک مواجهه تصادفی، می تواند تأثیر زیادی بر روابط آن ها با درمانگر بگذارد، به ویژه اگر درمانگر احتیاط خود را از دست بدهد.

گفته ها

باتوجه به مطالبی که گفته شد برای این قسمت به بررسی بعضی از مسائل و مشکلات ناشنویان از نظر شخصی خودم می پردازم .

دانشگاه :

به نظر بعضی از افراد ورود به دانشگاه برای ناشنویان امری ناممکن است از این موضوع نه تنها ممکن است بلکه عادی نیز می باشد . اما در راه ورود به دانشگاه این گونه افراد با مسائل و مشکلات بسیاری در سر راه مواجه می شوند. مشکلاتی که نه از نظر ذهنیت و خود فرد بلکه از نظر کمبود امکانات و استادان کاردان و متخصص است. اینگونه کمبودها در دانشگاهها باعث می شود که افراد ناشنوا کمتر بتوانند به این مراکز راه پیدا کنند و این خود امری مهم به شمار می رود .

رشته تحصیلی :

در دانشگاهها رشته های متفاوت و زیادی وجود دارد که ناشنویان می توانند حداقل در ۳ الی ۴ رشته مختلف کاملاً موفق باشند.

یکی از این رشته ها کامپیوتر است که در مورد آن بحث خواهیم کرد .

ناشنوایی ، باعث ایجاد اشکال در برقراری ارتباط برای ناشنوایان می گردد . با استفاده از فن آوری رایانه ها می توان در منزل این اشکالات را به حداقل رسانید . علاوه بر این رایانه قادر به تامین ارتباطات در منزل و محل کار برای ناشنوا به وسیله تلفن های مخصوص لمسی است . و چون کارکردن با رایانه برای این افراد آسان است در دانشگاه های فنی یکی از بهترین رشته ها برای ناشنوایان کامپیوتر یا رایانه است .
و اما در مورد رشته متالورژی که رشته تحصیلی خود نیز است باید نکاتی را

ارائه کنم :

رشته متالورژی رشته ای است کاملاً فنی همراه با مسائل و فرمولهای شیمی ، فیزیک ریاضی و ... که شاید برای یک فرد آشنا رشته زیاد جالبی نباشد .
اما به نظر من فرد ناشنوایی که در این رشته قدم می نهد نباید حراسی داشته باشد زیرا در این رشته در صورت بودن استادان کاردان می توانند به بهتری موفقیتها برسند چون که این رشته دارای دروس علمی فراوانی می باشد و این خود عاملی برای یادگیری سریع هنر جوست و به کل باید بگویم که تمامی رشته های فنی به علت داشتن دروس عملی بیشتر مورد توجه ناشنوایان می باشد. البته رشته متالورژی دارای دروس است که به آسانی فرد ناشنوا نیز نمی تواند آن را بیاموزد .

در خاتمه بای گفت که ((No Pain , NO Gain)) .

هنگامی کی دسی بل ها را قسمت کردند

زمانی که دسی بل ها را قسمت کردند

ما از آن بهره ای نبردیم

با این حال ، من سکوت را

فریبده و زیبا یافتم

اما تو نه

من به لشکر ناشنویان پیوستم

اما تو شانه خالی کردی

سپاه من همواره برای ((شناخت)) می جنگد

اما تو خواهان گمنامی هستی

شادی من با چشمانم است

اما شور و شغف تو همراه با صدایت

من در زبانم می رقصم

تو ، اما ، آواز می خوانی

.... در کنار یکدیگر رشد می کنیم

من رهایی خود را یافته

در این راه هنجار بودنم را فدا کرده ام

اما تو شانه خالی کردی

... بی سلاح و زخم خورده از جنگ

برای عدالت جنگیدی

و در حالی که هم قطاران شنواست

راحت و بی درد سر

پرسه می زدند

تو در مزارع خشخاش راحت آرمیده بودی

خود را برگزیدی

همواره قهرمانی پیش رو بودی

و هرگز نخواستی مرا نیز تحسین نمایی

... تو مرا شکست دادی

و صدا بر من غلبه کرد

وانمود کردی لغزش ناپذیری

اما شادی است از پیروزی

در دور دستها

به خط افق ابدی

همواره به انتظار بازخواست نشسته است .

((اما ناشنویان هرگز ترا محکوم نمی کند))

اکنون تبهکاران ژنتیک در کمین مان نشسته اند

حمله ای استراتژیک ، به شیوه ای نو

در انفجاری از گلوله ها

آنان هیروشیما یی

بر کاسه چشمان ما فرو ریختند

گازهای اشک آور ، احساسات را خاموش کرده

انفجاری سنگین

سرکوبت کرد

اما هنوز ، ... شانه خالی می کنی

خواهش می کنم ، خواهش می کنم

ساز و برگ نظامی را رها کن

و به لشکر ما بپیوند

به دور از خشونت و ویرانگری

سستی های فردی خود را کنار بگذار

و غرق در امنیت شو

بگذار ، بازوهایمان درهم گره خورند

تنها در آن صورت است که هرگز

هنگام پرسه زدنیهای بی دردسر همقطاران

تنها در مزارع خشخاش نخواهد آرمید ...

ماخذ

اطلاع رسانی به معلولان

تالیف : تاج الملک ارجمند

مشاوره ناشنوایان (فراز ها و نشیب ها)

نویسنده : ماریان کوکر

راهنمای آموزش زبان به ناشنوایان

تالیف : مری اس تیدول

روشها و محتوای آموزش قبل از دبستان ناشنوایان

تالیف : زهره گلکار پروین

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: Mr.Heydari
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/11/2012 8:44:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/11/2012 8:44:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 27
Number of Words: 2,905 (approx.)
Number of Characters: 16,565 (approx.)